

نگاه

دعوی ایران و آمریکا تقابلی حقوق بشری

امیر بی‌پروا

● به دنبال خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق هسته‌ای و اعمال تحریم‌های آمریکا بر ایران در سال ۲۰۱۸ میلادی، ایران دادخواستی به دیوان بین‌الملل دادگستری علیه آمریکا تقدیم می‌کند. اعمال تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا نسبت به ایران خلاف عهدنامه مودت ایران و آمریکا مصوب سال ۱۹۵۵ است. عهدنامه مودت ایران و آمریکا مشتمل بر ۲۳ ماده در موضوعات اقتصادی، کنسولی و روابط دوجانبه دو کشور است. در دعای ایران و آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری این عهدنامه مستند صلاحیت دیوان از سوی طرفین بوده است. به موجب ماده ۲۱ عهدنامه مودت ایران و آمریکا هر نوع اختلافی برای اجرا و تفسیر معاهده در صلاحیت دیوان بین‌الملل دادگستری است. اعمال تحریم‌های آمریکا منجر به کاهش روابط بازرگانی، اخلال در مبادلات مالی و نهی دیگر کشورها در مبادلات اقتصادی و بازرگانی با ایران شد که همه این اقدامات با مفاد عهدنامه مذکور مغایرت دارد. به‌دنبال طرح دعوی ایران علیه آمریکا در سال ۲۰۱۸ دیوان بر مبنای ماده ۴۱ اساسنامه‌اش دستور موقتی صادر کرد که این دستور موقت برای آمریکا از لحاظ حقوقی محدودیت‌هایی در اعمال تحریم ایجاد کرد. شکایت ایران علیه آمریکا در دیوان بین‌الملل دادگستری و صدور دستور موقت از سوی دیوان با تاکید بر اینکه آمریکا هر نوع محدودیتی را بر صادرات دارو و وسایل پزشکی، مواد غذایی، تجهیزات مربوط به هوانوردی و امنیت پروازی مرتفع کند، هر نوع پرداخت مالی و نقل و انتقالات بانکی از شمول تحریم‌های آمریکا مستثنا می‌شود. این دستور دیوان که به موجب ماده ۴۱ اساسنامه الزام‌آور است، با توجه به محتوای آن یک حمایت قضائی بین‌المللی الزام‌آور از حقوق ملت ایران در برابر آمریکاست که از لحاظ حقوق بشری برجستگی خاصی دارد که در تاریخ حمایت قضائی بین‌المللی از حقوق بشر مورد توجه خواهد بود. در دستور موقت دیوان بر حقوق بنیادین بشری، چون حق بر غذا، حق بر سلامت و درمان تاکید شده است که این حقوق به موجب حقوق بین‌الملل عرفی و حقوق بین‌الملل بشر جز، حقوق الزام‌آور است و دولت‌ها نسبت به آنها براساس میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی متعدّد و دیوان در این تصمیم با یک الزام قضائی آمریکا را از هر اقدامی که ناقض این حقوق بنیادین است، منع کرده و اعلام کرده این محدودیت‌ها باید مرتفع شود. پس از طرح دستور موقت در اکتبر ۲۰۱۸ آمریکا از عهدنامه مودت ایران و آمریکا خارج شد هرچند خروج آمریکا از عهدنامه پس از تقدیم دادخواست به موجب حقوق معاهدات خدشه‌ای به صلاحیت دیوان وارد نمی‌کند. پس از دو سال در سپتامبر ۲۰۲۰ جلسات استماع به دعوی ایران و آمریکا در دیوان بین‌الملل دادگستری در حال برگزاری است که این جلسات از چند جهت اهمیت دارد: اول، وکلای آمریکا استدلال‌های زیادی بر عدم صلاحیت دیوان مطرح می‌کنند که با نص عهدنامه ۱۹۵۵ مغایرت دارد. اعمال تحریم مغایر با منافع ایران و تعهدات اقتصادی و بازرگانی دو طرف است که باعث خدشه به منافع ملی ایران برخلاف نص، موضوع و هدف عهدنامه مذکور است که این مبناي اعمال صلاحیت دیوان است. دوم، اعمال تحریم مانع برخورداری از یک سلسله حقوق بشری به‌صورت مستقیم و یک سلسله حقوق به‌صورت غیرمستقیم می‌شود. تحریم در انواع اولیه یا ثانویه مانع اصلی تجارت، مبادلات اقتصادی و بانکی است که جریان اقتصاد جهانی را متوقف و ملت‌ها را از دسترسی به احتیاجات محروم می‌کند. صرف‌نظر از دستور موقت دیوان، اعمال تحریم‌های آمریکا دسترسی به غذا، امکانات پزشکی و درمانی، تجهیزات فنی را با مشکل مواجه می‌کند که این نقض حق‌های بشری مختلف مانند حق حیات، حق سلامت، حق غذا، حق مالکیت، حق تعیین سرنوشت به‌صورت مستقیم و دیگر حقوق بشری به‌صورت غیرمستقیم است. رسیدگی به این دعوی جدا از اهمیت صلاحیت و اعتبار موضوع در حقوق بین‌الملل معاهدات به‌دلیل توجه به غیرحقوقی‌بودن یک‌جانبه‌گرایی، از جهت محکوم‌کردن نقض‌های حقوق بشری در عرصه بین‌المللی و اینکه تحریم‌های یک‌جانبه‌خلاف حقوق بشر و در حقوق بین‌الملل محکوم محسوب می‌شود، اهمیتی دوچندان دارد.

● **پژوهشگر حقوق بشر بین‌الملل**

انتخابات آمریکا و منافع ایران در گفت‌وگو با دیاکو حسینی، تحلیلگر ارشد مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

تفاوت بایدن و ترامپ به دیپلماسی فرصت تنفس می‌دهد

● به نظر می‌رسد سیاست خارجی ایران در این دوره، بیش از همیشه تحت تأثیر انتخابات آمریکا است و نتیجه آن برای ایران مهم است. شما با این گزاره موافقت و آیا شباهتی تاریخی بین این دوره و دوره‌های پیشین می‌بینید؟

از آنجایی‌که آمریکا بزرگ‌ترین چالش سیاست خارجی ماست، رفتارهای سیاست خارجی و پویایی‌های سیاست داخلی آمریکا همیشه تأثیرات بزرگی بر امنیت ملی ایران داشته و امروز به‌واسطه تنش‌ها و تحریم‌های بی‌سابقه‌ای که شاهد آن هستیم، بیش از هر زمان و بیش از هر کشور دیگری متأثر از نتایج انتخابات آمریکاست. در این انتخابات فقط مسئله این نیست که آیا یک دموکرات برای ایران بهتر است یا یک جمهوری‌خواه بلکه مسئله این است که دولت کنونی آمریکا به خاطر زیرپا گذاشتن قوانین نانوشته میان ایران و آمریکا، عملا راه هرگونه دیپلماسی را بسته است؛ ضمن آنکه به خاطر ناآگاهی دونالد ترامپ و محاصره او توسط تندروها، دو کشور به یک جنگ ویران‌کننده نزدیک شده‌اند. ریاست‌جمهوری ترامپ تا امروز مصداق هرج‌ومرج کامل در سیاست‌های جهانی بوده و در صورت ادامه ریاست‌جمهوری او به طرز پیش‌بینی‌ناپذیر و خطرناکی جهان به لبه پرتگاه نزدیک خواهد شد. بیرون رفتن ترامپ از کاخ سفید، به‌خودی‌خود برای امنیت جهانی بهتر است.

● از امروز ۲۰ سپتامبر که تکلیف مک‌نایس مائه روشن می‌شود، تا سوسم نوامبر که انتخابات آمریکا برگزار می‌شود، حوادث مهمی پیش‌روی ما قرار دارد که مهم‌ترین آن، واکنش جامعه جهانی به تلاش آمریکا برای عدم لغو تحریم تسلیحاتی ایران و بعد، انتخابات آمریکاست. شما نتیجه کارزار

شورای امنیت را چگونه تصور می‌کنید؟ شکست آمریکا در شورای امنیت چه در ارائه پیش‌نویس قطع‌نامه‌ای برای تمدید تحریم تسلیحاتی و چه در حق خودخوانده برای به‌کارانداختن مک‌نایس ماشه به این دلیل ساده صورت گرفت که اعضای شورای امنیت نمی‌خواهند به آمریکا اجازه بدهند برای دستیابی به اهداف یک‌جانبه و توافق‌نشده، از شورای امنیت بهره‌برداری کنند. مسئله این است که غالب کشورها به رفتارهای آمریکا در چهار سال گذشته معترض‌اند اما به دلیل پیوندهای امنیتی و اقتصادی در عمل به سیاست‌های آمریکا تن داده‌اند. درباره بازگرداندن تحریم‌های پیشین هم که به‌طور غیرقانونی ادعای اعاده آنها به میان آمده، وضع به‌همین ترتیب خواهد بود. هرچند آنها در شورای امنیت با طرح آمریکا مخالفت کردند اما بعد است که در برابر اقدامات عملی آمریکا به اقدام مؤثری فراتر از سکوت و صدور بیانیه‌های محتاطانه دست نزنند. هیچ کشوری مایل نیست که چندجانبه‌گرایی تضعیف شود اما هیچ کشوری هم مایل نیست که بهای مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی، روبرویی و تنش بیشتر یا قرارگرفتن در لیست تحریمی آمریکا باشد. کشورها زیادی هستند که امیدوارند انتخابات آمریکا این وضعیت را تغییر دهد. تا وقتی ترامپ یک پدیده موقتی در نظر گرفته شود، این سیاست یک‌پام‌ودوها شاید توجیهی پیدا کند اما اگر او برای بار دوم به ریاست‌جمهوری انتخاب شود، این ملایمت و مماشات می‌تواند فاجعه‌آفرین باشد. آمریکا هیچ پایه حقوقی‌ای برای محدودکردن ایران در خریدوفروش تسلیحات ندارد اما ممکن است با تهدید و ارباب، دولت‌ها را وادار به اطاعت از تحریم‌های یک‌جانبه کند؛ همان‌طورکه پیش از این چنین کرده است.

● اگر ترامپ برنده این انتخابات شود، فضای تندرتی علیه ایران ادامه می‌یابد یا نه؟ او چندین بار گفته ایران بعد انتخابات در یک ماه با من توافق می‌کند. چنین چیزی را شدنی می‌دانید؟ ترامپ تصور می‌کند که ایران به خاطر امیدداشتن به یک‌دوره‌ای‌بودن دوران ریاست‌جمهوری او تاکنون حاضر به مذاکره نشده است و درصورتی‌که بار دوم انتخاب شود، با اعتمادبه‌نفش بیشتری که به دست آورد، به این نتیجه خواهد رسید که ایران مایوس شده و در مدت‌زمان کوتاهی به مذاکره با او خواهد نشست؛ بنابراین شاید تصمیم بگیرد که با نشان دادن سرسختی و افزایش فشار، ایران را به لحاظ روانی درهم بشکند و با شرایطی که او می‌خواهد به مذاکره وادار کند. البته نباید از نظر دور داشت که رفتارها و تصمیم‌های دولت دوم ترامپ به چنین کابینه و به‌ویژه مشاور امنیت ملی و وزیر امور خارجه او هم بستگی دارد. مایک پمپئو، نیکی هیلی و افرادی



زینب اسماعیلی؛ تقریباً هر دوره انتخابات آمریکا برای بخشی از مردم ایران اهمیت ویژه‌ای داشته و اقلیت هوشیار و فعال جامعه، این کارزار را دقیق دنبال می‌کنند؛ اما در این دوره یک زمین با یک صحنه بازی در میان است که همان حیات با ممت برجام است؛ توافقی که اگر ترامپ برای وعده‌های داخلی خود از آن خارج نشده بود، می‌توانست بستری برای تغییرات زیادی در کشور باشد. حالا سؤال‌های متعددی وجود دارد؛ مانند سهم ایران در کارزار انتخاباتی آمریکا و انتخاب دوباره ترامپ و تکلیف برجام با انتخاب بایدن و سرنوشت رابطه ایران و آمریکا. این سؤالات را با دیاکو حسینی، تحلیلگر ارشد مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری، در میان گذاشتیم. او معتقد است اگر ترامپ دوباره انتخاب شود، دیگر یک سکنه وقت تاریخی بین رابطه آمریکا و اروپا نخواهد بود و اروپایی‌ها مجبور خواهند بود تصمیم جدیدی در باره رابطه فرآتلاتنتیک خود بگیرند و این می‌تواند به ضرر ایران و به معنی پایان حیات برجام باشد. از سوی دیگر این تحلیلگر، بازگشت بایدن به برجام را نیز در صورت پیروزی در انتخابات ساده نمی‌انگارد و معتقد است که ممکن است به عمر دولت فعلی نرسد.

اروپا بسیار بعید است که اروپایی‌ها قادر به انتخاب مسیر اول باشند؛ بنابراین احتمال آنکه اروپا همراهی بیشتری با آمریکا در دولت دوم او را انتخاب کند، بسیار بیشتر است. این مسئله می‌تواند تأثیر مستقیمی بر حیات برجام بگذارد و حمایت از تداوم آن را به حداقل کاهش دهد. چیزی که برای ایران به معنای مرگ کامل برجام است.

● در روی دیگر سکه، ممکن است در نتیجه انتخابات آمریکا، جو بایدن دموکرات برنده انتخابات باشد. چقدر انتخاب او به نفع ایران است؟ در کوتاه‌مدت جایگزین‌شدن ترامپ با بایدن، فشارهای اقتصادی و سیاسی را بر ایران کمتر می‌کند و امیدواری به راه‌حل‌های دیپلماتیک را تقویت خواهد کرد. بایدن از سیاست فشار حداکثری علیه ایران حمایت نکرده و ترامپ را خائن به میراثی می‌داند که او به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور در دولت اوباما در ایجاد آن نقش داشت؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت که بخشی از سیاست‌های ترامپ علیه ایران را کنار بگذارد. همین‌طور دموکرات‌ها منتقد سیاست‌های عربستان تحت هدایت محمد بن سلمان بوده‌اند و با کابینه نتانیاهو اختلاف‌های اساسی دارند. همه اینها می‌تواند به نفع ایران باشد؛ اما

داستان به اینجا ختم نمی‌شود. بایدن به یک جریان فکری تعلق دارد که سیاست‌های آمریکا در ۷۰ سال گذشته را اداره کرده است؛ جریانی که تعلق خاطر بیشتری به مداخلات فراسرزمینی در امور داخلی کشورها، ترویج دموکراسی، اصرار بر حضور نظامی ماواری دریاها و همکاری با متحدان آمریکا برای حفظ ساختار امنیتی و اقتصادی جهان تحت ژمونی‌ایالات متحده دارد. باید توجه داشته باشیم که تفاوت

بایدن و ترامپ در دشمن‌دانستن جمهوری اسلامی ایران نیست؛ بلکه در نحوه مواجهه با این دشمن است؛ بنابراین اگر از برجام بگذریم، دولت بایدن به اندازه دولت ترامپ، به دنبال مهار آنچه تهدید ایران می‌نامند، است؛ همچنین به تضمین برتری اسرائیل در این منطقه متعهد است؛ اما همین مقدار تفاوت هم می‌تواند به دیپلماسی فرصت تنفس بیشتری بدهد.

● **بایدن از ابتدا گفته که به برجام بازمی‌گردد. آیا این کار اصلا شدنی هست؟ نیاز به مذاکره جدید هست؟ با توجه به زمان کوتاه باقی‌مانده دولت آقای روحانی، امکان‌پذیر است؟**

بازگشت آمریکای بایدن به برجام آسان و بی‌دردسر نخواهد بود. هرچند دموکرات‌ها از ابتدا با خروج آمریکا از برجام و تعقیب سیاست فشار حداکثری

موافق نبودند؛ اما به این معنا نیست که نخواهند کوشید از نتایج این سیاست‌ها که بهای آن را دولت ترامپ پرداخته، حداکثر بهره‌برداری را انجام بدهند. آنها می‌دانند که همه کشورهایی که از خروج آمریکا از برجام متضرر شده و تحت فشارهای سیاسی قرار گرفته‌اند، خواستار بازگشت کامل آمریکا به برجام هستند. همین‌طور می‌دانند که ایران از تحریم‌ها آسیب دیده. همین مسئله اهرم فشاری را در اختیار دولت بایدن قرار خواهد داد که می‌تواند آن را در روند چانه‌زنی‌های بازگشت به برجام، به کار بگیرد. به علاوه، دولت بایدن حاضر نخواهد بود بدون رفع نواقص و نارسایی‌های برجام در رسیدگی به مدت‌زمان اعمال محدودیت‌ها بر برنامه‌های هسته‌ای و همین‌طور سیاست‌های منطقه‌ای و برنامه‌های موشکی ایران به برجام برگردد و همه تحریم‌هایی را که ابزار فوق‌العاده‌ای برای فشار بر ایران است، یک‌دفعه کنار بگذارد. اگر او چنین کاری را مرتکب شود، با موجی از انتقادهای نته‌تها از طرف جمهوری‌خواهانی که ناگزیر است در کنگره با آنها در پیشبرد سیاست‌های داخلی و خارجی همکاری کند بلکه با انتقاد جناح راست دموکرات‌ها که به جلب نظر اسرائیل و متحدان عرب آمریکا اهمیت می‌دهند نیز مواجه خواهد شد. از نظر آمریکا، ممکن است فراهم‌کردن مقدمات بازگشت به برجام با این شرایط به زمان بیشتری در مقایسه با عمر باقی‌مانده از دولت آقای روحانی نیاز داشته باشد. به‌هرحال، آغاز گفت‌وگوها می‌تواند در ماه‌های پایانی دولت آقای روحانی کلیه بخورد، اما به دلیل پیچیدگی‌های سیاسی و فنی موارد اختلاف، نتیجه نهایی احتمالاً به دولت آینده ایران موکول خواهد شد.

● **۹ ماه دیگر، انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران می‌تواند صحنه متفاوتی را رقم بزند و آن‌گونه که برخی تحلیل‌ها نشان می‌دهد، دولتی اصولگرا از این انتخابات نفع کار بیاورد. درحالی‌که دولت تعامل‌گرای روحانی، توانسته از مذاکره با دیگران دست‌آورد چندان مثبتی به دست بیاورد، دولت اصولگرا نیز مدعی بازگشت به عدم مذاکره خواهد شد. خب این به نظر چرخه باطلی است که از دولت اصلاحات در آن گرفتار شده‌ایم؛ یعنی عدم فهم صحیح مقامات ایران از انبساط در ایران.**

به دلیل چهار دهه خصومت در روابط دو کشور و فقدان ارتباطات سیاسی و اجتماعی، تصویری منفی همراه با کینه‌ها و کلیشه‌ها چنان رسوب کرده که تغییر آن بسیار دشوار است. این مسئله روانی را باید به شکل‌گیری لابی گروه‌ها و کشورهای عادی‌نفوذی اضافه کرد که با تمام قوا برای جلوگیری از عادی‌سازی روابط ایران و آمریکا فعال هستند. منافع اقتصادی و سیاسی عظیمی برای تداوم این دشمنی‌ها وجود دارد؛ درحالی‌که از زاویه نگاه استراتژیک، ایران و آمریکا قادر هستند منافع مشترک گسترده‌ای را مقارن با بازاریابی سلسله‌مراتب نظام جهانی پیدا کنند. این تصادفی نیست که خصمانه‌تر رفتارها و در راس آنها تئور

سردار سلیمانی در دولت آقای روحانی که بلندترین گام را برای حل اختلاف با آمریکا برداشت، اتفاق افتاد. این گروه‌ها باید اطمینان پیدا می‌کردند که هیچ روزنه‌ای برای عادی‌سازی مناسبات باز نخواهد ماند. آنها می‌خواهند مردم باور کنند که صرف‌نظر از آنکه چه کسانی در ایران و آمریکا در مسند قدرت باشند، دشمنی و اختلاف میان این دو کشور پابرجا می‌ماند. ما دو راه بیشتر نداریم؛ را در برابر این بدخواهی‌ها تسلیم شویم و اجازه بدهیم خصومت دو کشور به سود رژیم نتانیاهو و معدودی از رژیم‌های منطقه، تا سرحد یک جنگ تمام‌عیار حرکت کند یا راه مقاومت را در پیش بگیریم و این افراد، گروه‌ها و دولت‌ها را که صرفاً در حال دفاع از منافع میلیارددلاری خود هستند، کنار بزنیم تا روابط دو کشور به شیوه متوازن، احترام‌آمیز و متناسب با اقتضات منافع واقعی دو ملت، به مسیر طبیعی خود بازگردد. ما گاهی آن‌قدر بر شکست‌دادن اسرائیل و متحدان عرب آن در منطقه متمرکز هستیم که اهمیت شکست اسرائیل در واشنگتن را از یاد می‌بریم. ما قبلاً با برجام یک بار اسرائیل را در واشنگتن شکست داده‌ایم. تشویق به خروج آمریکا از برجام، انتقام این شکست بود. ما باید آماده باشیم که در صورت فراهم‌شدن شرایط، یک بار دیگر و قوی‌تر از قبل، اسرائیل و متحدانش را در واشنگتن در هم بشکنیم. این شکست به آنها اجازه نخواهد داد که با خیال راحت به گشترای آمریکا زیرپاگذاشتن حقوق مردم فلسطین ادامه دهند. رسیدن به این هدف، آسان نیست و به ممارست، صبر، هوشیاری و انعطاف زیادی نیاز دارد.

در نامه‌ای به رئیس شورای امنیت تاکید شد

تروئیکای اروپایی: همچنان به ادامه اجرای قطع‌نامه ۲۲۳۱ متعهدیم

موعد مشخص‌شدن تکلیف درخواست آمریکا در زمینه تمدید تحریم‌های هسته‌ای ایران با استفاده از سازوکار حل اختلاف در برجام و در شورای امنیت رسیده است؛ اما خودداری این کشورها در کنار دیگر امضانندگان برجام و دیگر اعضای شورای امنیت، ملایم به این معناست که درخواست آمریکا بررسی نخواهد شد و اقدامی در راستای آن صورت نمی‌گیرد. نمایندگان دیگر طرف‌های برجام، اتحادیه اروپا، روسیه و چین و نیز دیگر اعضای غیردامن شورای امنیت به جز جمهوری دومینیکن نیز مخالف رویکرد آمریکا بوده‌اند.

درعین‌حال دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، گفته است خود یک‌طرفه تحریم‌های مدنظرش را علیه ایران اعمال می‌کند.

ادامه از صفحه اول

خطرات بی‌تصمیمی و بد تصمیمی

در سالی که همه شعار جهش تولید می‌دهند، از موانع آنچه در تصمیم‌گیری‌ها برای ترخیص کالا می‌گذرد، بی‌خبر هستند؟ بله بدون شک مشکلات در اتخاذ تصمیم وجود دارد ولی مگر مسئولان برای حل مشکلات کمارده نشده‌اند. اگر شجاعت تصمیم‌گیری نیست، حداقل شجاعت اعلام دلایل عدم تصمیم‌گیری را داشته باشند؛ هرچند این به حل مسئله کمک نمی‌کند. تصمیم‌گیری‌ها باید در زمان خود و البته با رعایت قانون انجام شود و طبیعی است که نهایتاً اگر برخی مقررات دست‌وپاگیر است، راه‌هایی برای رفع آن و اتخاذ تصمیم وجود دارد. هم‌چنان‌که رؤسای سه قوه از این اختیارات برخوردار هستند.

البته همیشه بی‌تصمیمی وجود ندارد و معلوم نیست چرا تصمیماتی که به زیان کشور است، سریعاً اتخاذ می‌شود؛ اعم از تصمیمات دولت و غیردولت! معلوم نیست چرا با آن‌همه سرعت تصمیم گرفتند که ارز چهارهزار و ۲۰۰ تومانی به همه کالاها بدهند و آن‌همه تخصیص ارزی را در مدت کوتاه انجام دهند و معلوم نیست برخی تصمیمات سیاسی که تبعات بین‌المللی دارد، به چه دلیل اتخاذ شده است.

کشور نیاز به تصمیمات بموقع دارد که بتواند جلوی زیان‌ها را بگیرد. بی‌تصمیمی و بدتصمیمی هر دو زیان‌های بسیار دارد و تا‌وان همه این بی‌تصمیمی‌ها و بدتصمیمی‌ها را مردم می‌پردازند؛ همان‌طور که اکنون بار همه این نوع تصمیم‌گیری‌ها بر دوش مردم است. حال حداقل کالاها را از گمرک ترخیص کنید. به قول معروف از طلا گشتن پشیمان گشته‌ایم، مرحمت فرموده ما مس کنید!

بی‌نقشی جامعه و آشفته‌گی بازار

۲- هرچند هر فعالیت اقتصادی همواره با ریسک و خطرکردن همراه است؛ اما بین «ریسک» و «ابهام» تفاوت وجود دارد. در شرایط ریسک افراد با شانس پیروزی و شکست یکسان (۵۰-۵۰) مواجه هستند؛ ولی در شرایط ابهام هرچند ممکن است شانس موفقیت هم وجود داشته باشد؛ ولی احتمال از یک تا ۹۹ درصد متغیر است و به‌طور دقیق نمی‌توان گفت که در یک وضعیت مبهم شانس موفقیت چند درصد است.

از طرفی شدت ترس و نفرت مردم از ابهام به‌مراتب بیشتر از وضعیت ریسکی است؛ زیرا در این چارچوب از اختیار و شناخت کمتری برخوردارند و امکان پیش‌بینی آینده وجود ندارد؛ بنابراین وقتی عرصه فعالیت اقتصادی همگانی نباشد، می‌دانند که بهتر است فعالیت‌های مربوط به کسب و کارشان را به حوزه‌هایی نبرند که ابهام‌آمیز و خطرآفرین است و با منافع عده‌ای خاص در تضاد قرار می‌گیرد و خود‌خواسته از ورود به بسیاری از عرصه‌های مفید و رونق‌بخش کنار می‌کشند.

به‌همین‌خاطر وقتی راه ورود به فعالیت سالم اقتصادی ابهام‌آمیز شود، دروازه ورود به بسیاری از فعالیت‌های سوداگرانه و ناسالم گشوده می‌شود. چنین حوزه‌هایی را دیگر نمی‌توان با ابزار کنترل و تعزیر دولتی سامان بخشید و نه می‌توان از ورود «هیچ‌کسان» و حتی افراد عادی به آن جلوگیری کرد. اینجااست که آشفته‌گی بازار شکل می‌گیرد و قمار اقتصادی رونق می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای‌که افرادی که قرار بود در وضعیت آزادی اقتصادی، سرمایه فکری-مادی خود را به نفع تولید و کارآفرینی وارد عرصه فعالیت کنند، در وضعیت انحصاری و بی‌خطری مانند زمین و مسکن یا فعالیت‌های سوداگرانه و دلالی مثل خرید و فروش ارز و سکه و طلا روانه می‌کنند و مانند سیل ویرانگری هم اقتصاد را به هم می‌ریزند و هم جامعه و اخلاق را ویران می‌کنند.

۳- راه‌حل رفع آشفته‌گی و نگرانی جامعه ابهام‌زدایی از حوزه سیاست و حکمرانی است. ابهام‌زدایی نیازمند مه‌اندیشی، گفت‌وگو و اجماع نخبگان سیاسی، فکری، فعالان بخش خصوصی و جامعه مدنی بر سر نحوه اداره کشور و تعیین اولویت‌های آن است. تاکنون در غیاب احزاب فراگیر و جامعه مدنی قدرتمند، نخبگان سیاسی به صورتی یک‌جانبه، ذوقی و براساس سلاقی، ارزش‌ها و تعین و ترسیم سیاست‌ها و خطمی اجرایی می‌زدند و انتظار پذیرش و اطاعت بی‌چون‌وچرای جامعه را داشتند؛ اما در وضعیت جدید که دولت به دلیل مشکلات مالی مانند گذشته توان فرمان‌رانی و فرمان‌روایی یک‌طرفه را ندارد، دیگر نمی‌تواند به سیاست یک‌جانبه و خاص‌گرایانه ادامه دهد و ادامه مسیر محتاج حضور و مشارکت نخبگان فکری، بخش خصوصی و جامعه مدنی برکنار از سیاست است تا بتواند راه ناهموار و پرستکلاخ کنونی را به سلامت طی کند؛ بنابراین تعقل در جلب مشارکت جامعه مدنی و بخش خصوصی و بهره‌مندی از نظرات و همکاری آنها وضعیت موجود را پیچیده و سخت‌تر می‌کند و ابهام آینده را بیشتر خواهد کرد.

به همین‌منظور تاکید بر آن است که مسئولان قوا و دستگاه‌های مختلف از ادعای انحصارطلبی، همه‌جیزدانی و مغز متفکر بودن دست بشویند و تعیین اولویت‌ها و مصالح کشور و تصمیم‌گیری راجع به آن را به خود جامعه واگذار کنند.

آگهی موضوع ماده ۲ قانون وماده ۱۳آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت

ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي

برابر رای شماره ۰۵۱۳۳۰۰۰۴۰۰۳۱۰۰۱۹۹۰۰۴ - ۱۹ - ۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي بابل تصرفات مالکانه بلا معارض آقای مجید حسین زاده فرزند سلمان به شماره شناسنامه ۱۴۲۷ صادره از بابل با یک دلی ۰۵۵۴۲۰۳۰۶۰ متقاضی کلاســه ۲۸۴۷ در شش دانگ یک قطعه زمین با بنای ادحاتی در آن به مساحت ۵۲۴۰۷۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۶۷- ۲۹ اصلی واقع در بخش شش حوزه ثبت ملک بابل ثبت و محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵روز از طریق روزنامه کنترالانتشار و محلی آگهی میگردد درصورتی که اشخاص ذی نفع به رای صادره فوق اعتراض دارند میتوانند در تاریخ انتشار اولین آگهی و دو روستها از تاریخ الصاق بمدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم و رسید دریافت نمایند ومعترض باید ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وکواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر وخواهدشد صدور سند مانع ازمراجعه متضرر به دادگاه نمیشاهد. م الف ۱۹۹۲۰۷۲۲

شهرام خسروی رئیس ثبت اسناد املاک بابل

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۵- ۰۶- ۹۹تاریخ انتشار نوبت دوم: ۰۶- ۰۶- ۹۹